

سرشناسه:	سلیمی ناغانی، خسرو، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور:	خسرو سلیمی ناغانی
مشخصات نشر:	فرخ شهر: آصف، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۴۵۰ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۲۱۳-۴۱-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فهرست مختصر
یادداشت:	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی
شماره کتابشناسی ملی:	۳۰۷۸۰۹

سروش "سخن"

سروده : خسرو سلیمی ناغانی

ناشر: آصف

خط روی جلد : استاد سید علیرضا امامیان

صفحه آرایي : مهندس فاطمه صدیقی

لیتوگرافی : نقش

صحافی : بابک

چاپ : اول ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۱۳-۴۱-۵



مرکز پخش :

فرخ شهر ، انتشارات آصف ۰۹۱۳۱۸۲۰۵۱۱

شاعر: ۰۹۱۳۲۸۳۳۸۴۷

فهرست

- مقدمه (سخنی چند با مخاطبین و ... (از شاعر))..... ۳۵
- قبول افتادها (یاد ما باید بماند در میان یادها)..... ۵۳
- سلاح صالح (بی حاصل است عمرم بی روی تو نگارا)..... ۵۳
- حدیث آرزو بدی (نقشه تو چو دریای خروشان می کشد ما را)..... ۵۴
- تالار شادیهها (حریق حرم کردی در این دنیا دل ما را)..... ۵۵
- لشگرشادی (خیز و با قصه طرب دامن گلزار بیا)..... ۵۶
- ذات ملکوت (آنکه را قطعه از دایه داد خدا)..... ۵۶
- زبان راستی (شد دل دیوانه‌ام بیمار عشقت بی وفا)..... ۵۷
- خورشید رخشان (سخن صاف و صادق بدو از رخسار تو)..... ۵۸
- بی‌مه‌ری (مهر روی تو اگر سر بزند بر دل ما)..... ۵۸
- پای پیمان (پای پیمان شکن هرگز نرسد مرز وفا)..... ۵۹
- سماوات سعادت (تا که دیدم صورت زیبای چون ماه تو را)..... ۵۹
- صحبت حق (گر برویم بکشی در همه جا تیغ جفا)..... ۶۱
- حاصل فکر (روی شادی بنما ای دل و بنشین به صفا)..... ۶۱
- می‌مستی (بهترین مستی ما مستی عشق است و صفا)..... ۶۲
- گردِ نظر (ایدل آلوده نظر هست چنان غرق خطا)..... ۶۲
- امواج نامرئی (اگر قاضی کند اجرا به هر جایی عدالت را)..... ۶۳

- ۶۴..... هَرَم هَرَم (پای شادی بهر رفتن وقت کم دارد چرا؟)
- ۶۵..... تلاش پرتمر (همچو بلبل بر درخت عشق آواز است مرا)
- ۶۶..... کمال نقص (سالها گم کرده‌ام راه وصال خویش را)
- ۶۷..... دانشگاه عشق (بدست عقل می‌گیرم چراغ ایمن دل را)
- ۶۸..... اشک شادان (دیگر نمی‌رقصد شبه با سایه‌ی گلگون ما)
- ۶۹..... واهب محبوب (گر شاهد مقصود بُود در نظر ما)
- ۷۰..... صحرای شوق (بی‌دود در هر طرف در رگ و پی خون ما)
- ۷۱..... مشام عشق (هر کسی چون من بسند لحظه‌ای روی تو را)
- ۷۱..... سرو تکبر (ای که در باغ غرور غرور نیست تو را)
- ۷۳..... انگل جنگل (دست نشاط گر رسد در طرف نگار ما)
- ۷۳..... مثبت‌اندیشی (نا‌امیدی گر نشیند در دل غمگین ما)
- ۷۴..... گلزار بی‌گل (اگر پُر خار و خس گردد گلستان برای ما)
- ۷۵..... آهنگ سحرگاهان (بر شامه‌ی جان بنشان عطر گل و بسایر ما)
- ۷۶..... آشنای باغ تو (هر دلی یک لحظه بیند روی آن جانانه را)
- ۷۶..... سوزنهانی (بدست شوق می‌نوشم شراب زندگانی را)
- ۷۷..... قامت صبر (در من آور طرب از روی محبت همه‌جا)
- ۷۸..... میوه‌ی باغ بقاء (عاشق ناز نگاه توام ای یار بیا)
- ۷۸..... دیده‌ی تشخیص (هر که در راه هدایت بنهد گام صواب)
- ۷۹..... خانه‌ی احسان (در مجلس رقص و طرب ساغر بدستم روز و شب)

- خیمه‌ی اُنس (گرد شمع رُخ زیبای تو ای یار امشب)..... ۸۰
- قندلب (خَبْذا بر سخن نغز و بیان و ادب)..... ۸۱
- جرگه‌ی عشاق (آنچنان در نظرم سرو چمن آرایت)..... ۸۲
- راه آشنایی (هردم کبوتر دل بر آسمان کویت)..... ۸۲
- عینک بصیرت (جانا چو غنچه واشو بر شاخه‌ی محبت)..... ۸۳
- بی تاب شتاب (همسان کویرم بدل دشت سرایت)..... ۸۳
- نازنگاه (هر فطرت پاکیزه کزو نور جمالست)..... ۸۴
- شب‌نم خوشبخت (بکد، نکش پای دل از مُلک نگاهت)..... ۸۵
- دیوانه‌ی دیدار (روز و شب گریخت زده‌ام در راهت)..... ۸۵
- توان فقر (همه عمر چون اسیری بدهم به تسمندت)..... ۸۶
- شب‌نم شوق (شب‌ی را تا سحر ماندم میان گلش جانت)..... ۸۷
- عاشق حقیقت (هردم ز جان برآید فریادی از حقیقت)..... ۸۷
- همسان گل (در بهار زندگی همچون گلی باید شکفت)..... ۸۸
- وفور نعمت (پای پیاده آمدم به بارگاه حرمت)..... ۸۹
- ابر ارتحال (پروانه‌ی خیالم در مجلس وصال)..... ۸۹
- اسب هوس (گر در هوس بماند ذرات تار و پودت)..... ۹۰
- دوای دوستی (گلی خواهم ز گلزار محبت)..... ۹۰
- طاقت طاق (عالمی عاشق و دیوانه اگر هست به بندت)..... ۹۱
- توانمند تهیدست (به امید چه می‌آید دل زارم به دیدارت)..... ۹۲

- تخت توان (آفرین بر تو آن کار نکو فرجامت)..... ۹۲
- چشمه سار زندگی (چکاوک خیال من به صبحگاه روشنت)..... ۹۳
- شعله‌ی شادی (مردم از درد و غم و عشق به گنج قفست)..... ۹۴
- شوق طوآف (گر چو مجنون بدوم یکسره در دشت غمت)..... ۹۵
- شیرین و شیب (تا قیامت دست من بر دامت)..... ۹۶
- باور خالص (در پیش تو هر کس که شود شاد و جوان است)..... ۹۶
- شهر شادی (خوش آمده که در عالم ز غم هر دم گریزانست)..... ۹۷
- چشم یادگار (باز آ که بی تو عالم چشم من خراب است)..... ۹۸
- دشت جنون (تا گردش چشمان تو چمن جام شراب است)..... ۹۹
- صاحب نام (هر شب که مرا پرتو آن دامن داشت)..... ۱۰۰
- گلشن شعر (آنکه بین شعرا شاعر شیرین سخن است)..... ۱۰۰
- خواسته‌ی دل (بی تو عالم همه جا در نظرم مثل شراب است)..... ۱۰۱
- خیمه‌ی ثروت (با اینهمه گلزار که در مزرعه کشت است)..... ۱۰۲
- خوی بشر (سفر سرای دل من سرای هر رهگذر است)..... ۱۰۳
- بهار بی خزان (گل گلزار عشقت بی خزانست)..... ۱۰۴
- پرتو ادراک (هر که از آتش سوزان غمت بی باک است)..... ۱۰۴
- سر خط اول (هر چه تو فرمان دهی بر من عاشق رواست)..... ۱۰۵
- در چشم جان (تا پرتو جمالت در پرده‌ی خیال است)..... ۱۰۶
- نور خداداد (به تعلیم خطا ناید هر آنکس نیک بنیاد است)..... ۱۰۷

- کوثر فردوس (هردم که گل عشق تو در بستر جانست)..... ۱۰۸
- عاشقی از ناغان (آنچه دلخواست مرا در نگه جانانست)..... ۱۰۸
- داناخرد (گر هدایت کند ایمان، دل و جان در نور است)..... ۱۰۹
- خوان کرم (تا سر دشت سحر ت مرغ دلم پر زده است)..... ۱۱۰
- سراش ب خروش (دلم از شور عشقت در خروش است)..... ۱۱۰
- عرصه ماه اعتقاد (بی گمان اندامت ای زیبا نظر خوش منظر است)..... ۱۱۱
- مرز جنون (دلم در وادی دارالجنون است)..... ۱۱۲
- گلشن گفتار (سایه تلیه حقیقت سخنی شیرین است)..... ۱۱۳
- فردوس سعادت (زنده از بهر برایش سر نوش آمده است)..... ۱۱۴
- گرمی احساس (هر زمان نقش رحمت در نزارم جلوه گر است)..... ۱۱۵
- اوصاف نکو (هر که در دنیا به درد عشق کمتر مبتلاست)..... ۱۱۵
- گل سرخ (گل گلزار تو شور آفرین است)..... ۱۱۷
- خیل خطا (صبحگاه ابدیت ز رخ یار من است)..... ۱۱۷
- نور تجلی (پرتو حسنش همه جا در دل و افکار منست)..... ۱۱۸
- داد انالحق (دردا که در این بادیه بانگ جرسی نیست)..... ۱۱۹
- عاشق دل ریش (آتشی سوزنده تر از داغ هجران نیست نیست)..... ۱۱۹
- سرشگ سفتن (چو غنچه در خزانم زبان گفتن نیست)..... ۱۲۱
- شراب وصل (بی تو ای آرام جان ما را دمی آرام نیست)..... ۱۲۱
- درخت صحرا (بدون مهر رویت توان بودنم نیست)..... ۱۲۲

- ۱۲۳..... مرغ تفکر (هر چند مرا بر دل تو دسترسی نیست)
- ۱۲۳..... چنگ خیال (تا رمقی در دل و جان منست)
- ۱۲۴..... خیمه‌ی خیال (ز شوق از وجود من کبوتر دلم نشست)
- ۱۲۵..... نظرگاه نگاه (تیر مژگانی که در سینه‌ی سوزان منست)
- ۱۲۵..... رستم فکر (دل سرگشته‌ام در چشم مست مست مست)
- ۱۲۶..... ظلمات زمان (هر که خطر را بدل آسان گرفت)
- ۱۲۷..... زبان قلم (هر که آمد به جهان و ره تقدیر گرفت)
- ۱۲۷..... بوی انسانیت (نور افکار من از پرده‌ی پندار گذشت)
- ۱۲۸..... خورشید شرافت (آنکه شب به روز سادش تا صبحدم آرام داشت)
- ۱۲۹..... تخم نیکی (گل باغ عشق است که سر است)
- ۱۳۰..... خرمن خوبی (در ازل دست قدر با قلم عشق نوشت)
- ۱۳۰..... سرخوشه‌های مهر (رویت شب دیجور را چون روز روشن می‌کند)
- ۱۳۱..... لحظه‌های مهر (هر دم امواج غمت ما را پریشان می‌کند)
- ۱۳۲..... سمع سمع (خاک وجود ما چرا سبزه بسر نمی‌کند)
- ۱۳۳..... قدرت ضعف (اگر آن یار جفا پیشه وفا باز کند)
- ۱۳۴..... سکوت سځن (ایدل از یاد مبر هر که تو را شاد کند)
- ۱۳۴..... تلاش مستمر (هر که نهال عشق را درخت پُر ثمر کند)
- ۱۳۵..... سایه‌ی سر (هر که با بال و پر عشق تو پرواز کند)
- ۱۳۶..... گلزار دل (هر کسی شمع طرب را پیش رو روشن کند)

- بیستون آرزو (هر کسی شمع طرب روشن کند)..... ۱۳۷
- چشم هشیاری (ساقی بده پیمانه‌ای کان مست و مدهوشم کند)..... ۱۳۷
- چشم باور (هر که دمی در نگهت خیمه‌ی عشق برکند)..... ۱۳۸
- نرخ جان (هر که با تن پروری بر جسم خود افزون کند)..... ۱۳۹
- مره غیبت (هر کسی در دشت دل تخم امید افشان کند)..... ۱۴۰
- شیب شبیخون (دل از جور زمان ناله‌ی محزون نکند)..... ۱۴۰
- جام حقیقت (دام از هگذر غم گذر هرگز نکند)..... ۱۴۱
- درک درد (گر به توفیق رسد هیچ زمن کم نشود)..... ۱۴۲
- ساز وجود (اگر آن یار جفا دار وفادار شود)..... ۱۴۲
- بیشترین داد (پیش تو، هر که رسد آن یار جان شاد شود)..... ۱۴۳
- در غم دلتنگ (هر کسی با سخن عشق هماغسگ شود)..... ۱۴۳
- آتش زن مستی فزون (در سحر چشمت گر کسی هوسان من افسون شود)..... ۱۴۴
- عالم دهر (گر چو آینه بپای تو نشینم چه شود)..... ۱۴۵
- رزق بران (هر که در کام صدف گوهر یکدانه شود)..... ۱۴۶
- فصل پنجم (در بهار زندگانی عشق برپا می‌شود)..... ۱۴۶
- بستان عشق (در بهار سبز و خرم عشق برپا می‌شود)..... ۱۴۷
- دارالمکافات (گر که فردا آتشی بر پا جهنم می‌شود)..... ۱۴۸
- مجمرخيال (گل لب تو هر زمان چو غنچه باز می‌شود)..... ۱۴۹
- قله‌ی جان (در بستر بستان تو جانم معطر می‌شود)..... ۱۴۹



- ۱۵۰..... مشرق افکار (تا چشم ادراک بشر از عشق بینا می شود).
- ۱۵۱..... دست هوس (گل در آغوش چمن شاداب و خندان می شود).
- ۱۵۲..... میوه های دوستی (تا نسیم گلشنت در بستر جان می شود).
- ۱۵۳..... آتش سودا (هر زمانی که دلم بی تو پریش باشد).
- ۱۵۳..... عطر نسیم (تا که بر دوش تو گیسوی پریشان باشد).
- ۱۵۴..... شهر عشق (خسب شره و حسارت به چشم من حزین باشد).
- ۱۵۵..... آدم ارزنده (صورتش بر من چون ماه تابان باشد).
- ۱۵۶..... گام سخاوت (هر کس که نذر بر من دوخته باشد).
- ۱۵۷..... فکر گسترده (هر کسی با نظر عشق موافق باشد).
- ۱۵۷..... تن سالم (زندگی هست زمانی که سلامت باشد).
- ۱۵۸..... گلزار انسانی (هر آنکس که درین عالم صبور و بیغم باشد).
- ۱۵۹..... حرف حقیقت (هر دم که جمال تو صفا داشته باشد).
- ۱۶۰..... سنگ عدالت (هر که گفتار دلش پُر ز صداقت باشد).
- ۱۶۱..... آهنگر عشق (هر زمان مهر رُخت در نظر من باشد).
- ۱۶۱..... آفتاب نگاه (آفتاب نگهت گرم و درخشان باشد).
- ۱۶۲..... عرصه ی غصّه (گر مرا شادی عالم همه در بر باشد).
- ۱۶۳..... پُتک وجود (فریاد سکوت من در مرز جنون باشد).
- ۱۶۴..... ازابه ی عشق (هر که در بارگه عشق تو مهمان باشد).
- ۱۶۴..... سندان غم (به غیر از خانه ی صبرت دلم ایمن نمی باشد).

- صلیب نگاه (دل من در طلب قامت رعناى تو شد)..... ۱۶۵
- خطوطِ حقِ نمائی (نهال شوق من بالید و بر شد)..... ۱۶۶
- گلِ نیکی (مخور ایدل غم عالم کزین بدتر نخواهد شد)..... ۱۶۷
- چشمِ باغ (فصل شتا سرآمده موسم نوبهار شد)..... ۱۶۸
- حصارِ آئیت (کویر دشت جانم سبز و تر شد)..... ۱۶۸
- شهدِ نوشبختی (مرا حال پریشانی دگر شامل نخواهد شد)..... ۱۶۹
- گنجِ اندیشه (هر زمان آتش اندیشه برافروخته شد)..... ۱۷۰
- صبحِ امید (شکر یزد که چراغ دل ما روشن شد)..... ۱۷۱
- بازارِ وجود (کشتیِ صبرِ خاتمِ حبِ دریای تو شد)..... ۱۷۱
- قدرتِ آثار (گرچه یادت همب باعد، آرام شد)..... ۱۷۲
- بالِ سفر (تا در سمایِ تار غم پرواز من ناباز شد)..... ۱۷۳
- گلشنِ رخسار (تا شمع شوقش در وجودم شعله ر شد)..... ۱۷۴
- سنتورِ وفا (کس چون من در خمِ زلف تو گرفتار نشد)..... ۱۷۴
- زخمِ جفا (به شیرین بی سبب دل بست فرهاد)..... ۱۷۵
- جلوه گاه (نور رخسار تو بر صورت مهتاب افتاد)..... ۱۷۶
- قصرِ غمِ آور (هر دم که دم عشق فرو ماند ز فریاد)..... ۱۷۶
- راهِ خطا (زنده و جاوید باد آنکه مرا یاد داد)..... ۱۷۷
- مطربِ عشق (قلّهی قاف فلک عرصه‌ی پرواز تو باد)..... ۱۷۷
- دستِ وفا (زان لحظه که در بند غمت جان من افتاد)..... ۱۷۸

- کعبه‌ی آمال (تا که آن غنچه دهن گلشن رخسار گشود)..... ۱۷۹
- کهکشان خیال (در ره معراج دل هر کس نهد پای وجود)..... ۱۷۹
- پاروی محبت (هر زمان عشق تو در بحر ضمیر ما بود)..... ۱۸۰
- طاقت طاق (کاش جام تلخ غم دور از لب عشاق بود)..... ۱۸۱
- مهتاب رخ (ای خوش آن دم که نگاهت به نگاه من بود)..... ۱۸۲
- سردی احساس (کاش هرگز مایه بر پا نبود)..... ۱۸۲
- گوش جان (همین سحر و جادوی عشق تو یارم نبود)..... ۱۸۳
- باغ خیال (به قد چون روی صورت چو خورشید)..... ۱۸۴
- شوق پریدن (هر که بر لبه حقیقت دامن دل را کشید)..... ۱۸۴
- شکوه عشق (هنگام گل شکفت وقت طلوع خورشید)..... ۱۸۵
- کالای عزت (هر کسی در زندگانی راه ناسی برگزید)..... ۱۸۶
- چمن چشم (گر چشم خمار چو غزالت بمن افتد)..... ۱۸۶
- سنگ تواضع (در خوابگاهم پای خیال تو قدم زد)..... ۱۸۷
- دم گرم (صبحدم مرغ دلم سوی رخت پر می‌زد)..... ۱۸۸
- جان وجود (هر که از روز ازل ساده و یکرنگ بود)..... ۱۸۸
- مه‌سا (ظاهر و باطن اگر در آدمی زیبا بود)..... ۱۸۹
- حسّ همکاری (در تار و پود پیکرم تا زندگی جاری بود)..... ۱۹۰
- لنگر دل (ترسم که چون آتشفشان آه از نهادم سر زند)..... ۱۹۱
- شوق شکفتن (هر که محبت کند دلبست به احسان زند)..... ۱۹۲

- ۱۹۳..... (آتش عشق تو شرر می زند).....
- ۱۹۳..... (بلبل باغ دلم در قفس غم نرود).....
- ۱۹۵..... (خوشا آنان که در عالم مسیر شوق پیمودند).....
- ۱۹۵..... (چنگ طرب نغمه‌ی خوش ساز کرد).....
- ۱۹۵..... (دلَم از دامن گلزار گذر خواهد کرد).....
- ۱۹۶..... (سرزمین عشق را آن دم که دل تسخیر کرد).....
- ۱۹۷..... (در حق همه جا سینه سپر خواهم کرد).....
- ۱۹۸..... (غریبی با طفه به شاخه ثمر خواهد کرد).....
- ۱۹۸..... (آن لحظه که بشیر نه هوش نظرم کرد).....
- ۱۹۹..... (مرا چشمه‌ی عشق سیراب کرد).....
- ۱۹۹..... (آنکس که بوستان را پژمرده و در خزان کرد).....
- ۲۰۱..... (از سرایش شب تار گذر خواهم کرد).....
- ۲۰۱..... (مرغ روحم برفراز گلشنش پرواز کرد).....
- ۲۰۳..... (بس مرا آتش غم از ره بیداد آمد).....
- ۲۰۳..... (لطف خداوند سبب ساز آمد).....
- ۲۰۴..... (هر که را باده‌ی مینای ازل نوش آمد).....
- ۲۰۴..... (طی شده فصل زمستان و بهاران آمد).....
- ۲۰۵..... (و چه زیبا همه جا سبز و دل انگیز آمد).....
- ۲۰۶..... (بدرود غم دل که زمان تو سر آمد).....

- ۲۰۶..... سماع مرثیه (بهار کوچک ما را خزانگی همنشین آمد).
- ۲۰۸..... زاده‌ی قابیل (بختم از خواب خطا یکسره بیدار آمد).
- ۲۰۹..... دیده‌ی بیدار (صبحدم مرغ سحر بر سر گلزار آمد).
- ۲۱۰..... چمن سبز مراد (گرم شد روی زمین عشق به انفاس آمد).
- ۲۱۱..... صفات یک (به کار و ورزش و دانش هر آنکس روی می‌آرد).
- ۲۱۲..... مذاق آدمی (سخن هر کس که از روی صداقت بر زبان آرد).
- ۲۱۲..... گل پیمان (که بر روی زمین تخم وفا می‌کارد).
- ۲۱۳..... قامت دلجو (ذرات نام‌نیل نظر سوی تو دارد).
- ۲۱۳..... تاج افکار (خوشا آنکس که در عالم به راه حق نظر دارد).
- ۲۱۴..... جاروب طرب (گل باغ سخنم شوق شکفتن دارد).
- ۲۱۵..... پیکر آدمیت (هر که از بهر بشر دست کرامت دارد).
- ۲۱۵..... آدم با آدمیت (گذر آدمیت نور هدایت دارد).
- ۲۱۶..... چشمه‌ی نوشین (هر که بر مسند حق دیده‌ی حق بیند).
- ۲۱۶..... راه رسا (سخن مرغ سحر لطف شنیدن دارد).
- ۲۱۷..... اقبال بشر (خوش بخت جهان بخت همایون ز تو دارد).
- ۲۱۸..... سرخوش از عشق (از آن آهسته می‌نالم که دردم در نهان ماند).
- ۲۱۹..... قصه‌های شیرین (گر در خزان عمرم دل در امان بماند).
- ۲۲۰..... ژست هوس (دریای جان ما را طوفان غم نگیرد).
- ۲۲۱..... شوق دیدار (زده‌ام فال که یارم ز سفر می‌آید).

- ۲۲۲..... تخم شادی (گل گلزار خوشبختی به هرباغی که می‌روید).
- ۲۲۲..... بلوغ باور (فغان از سینه‌ام افزون برآید).
- ۲۲۳..... خصال خیر (خوشا آنان که در گلزار یارند).
- ۲۲۴..... داروی ایمان (کسانی که حق را پسندیده‌اند).
- ۲۲۴..... خرمن فکار (ای که یکسر می‌کشی جان مرا در راه خود).
- ۲۲۵..... مرگ زلفی دار (کسانی که شهادت برگزیدند).
- ۲۲۶..... بهشت آرزو (عشق می‌جان فدا کردن به راه وصل یار).
- ۲۲۶..... بستر صبر (با یاد تو مرا زنده‌ام ای شوخ دل آزار).
- ۲۲۷..... گوش مؤثر (چون شمع ز شمع تن خود شعله برآر).
- ۲۲۸..... چشمه‌ی ایثار (در باغ دلم گنجشید نگه یار).
- ۲۲۸..... مسیر تعادل (مرا دل بود خوش به وصل بهار).
- ۲۲۹..... نیشکر تلخ (بشنو ایدل سخن نغز و موثر در یار).
- ۲۳۰..... طوفان غم (پشت سمنند ظفر هر که بگردد سر).
- ۲۳۰..... شیرین سخن (باز آمده‌ام بشوق دیدار).
- ۲۳۱..... در گذر روزگار (گر که نسیم سحر بگذرد از کوی یار).
- ۲۳۲..... چشم خطاکار (جز تو کسی نیست مرا در نظر).
- ۲۳۳..... گهر شوق (گر بوی محبت ز وجودش بزند سر).
- ۲۳۳..... سیمرغ صداقت (بر دامن گلزار دل انگیز بکش پر).
- ۲۳۴..... پیکار عشق (تا میان باغ چشمان تو افتادم نظر).

- ۲۳۵..... صفحه‌ی وجدان (مرغ خوابم می‌کشد از آشیان دیده پر)
- ۲۳۶..... برزخ دیوانگی (بر نمی‌گیرد دلم از حُسنِ رویت یک نظر)
- ۲۳۷..... زبان سبز (به بحر بی‌قرار دل قرارم را قرار آور).
- ۲۳۸..... سرایشی شب (ای نسیم سحری بوی خوش یار آور).
- ۲۳۸..... پای غبت (شب تاریک بدبختی ز جانم پا کشید آخر).
- ۲۴۰..... بون محبت (از سَرِ کوی تو یکدم نروم جای دگر).
- ۲۴۰..... ساعد صبح (روی تو ما بنما دوست شدن از سر گیر).
- ۲۴۱..... افسار غرور (سرک بشد سرش ذره‌ای از فهم و شعور).
- ۲۴۲..... چشمه‌ی وصل (عشق آمدت به من درس سخن در همه عمر).
- ۲۴۲..... توسن دیدار (اسب جفا بر من مسکین ستاز).
- ۲۴۳..... شوق پرواز (در آغاز راهیم و پایان آغاز).
- ۲۴۳..... تومار شهرت (رو به هرجا می‌کنم حاصل نشد تا هم هنوز).
- ۲۴۴..... باغ سحر (سخن نفز تو در گوش وجود است هنوز).
- ۲۴۶..... شربت نوش (دلم از عشق تو یکسر به خروش است هنوز).
- ۲۴۷..... اسب تنبل (از تار احساسم چرا موج غم انگیز).
- ۲۴۷..... شیرین خاطرات (اگر رنگت شود هم‌رنگ پائیز).
- ۲۴۸..... شرار عشق (چراغ عشق را در دل بر افروز).
- ۲۴۸..... کمال مطلق (زبان زندگی صداقت است و بس).
- ۲۴۹..... بوسه‌ی توفیق (تا بوسه زدم زاله صفت بر گلِ رویش).

- آتش آسا (به چه تدبیر رهانم دلم از افسونش) ۲۴۹
- خمر خمار (ساقی بده جامی ز شرابی که برد هوش) ۲۵۰
- مرغ وجود (ایدل از آن باده‌ی گلگون بنوش) ۲۵۱
- سرمای رونق (ایدل اندر بحر غم غواص افکارم تو باش) ۲۵۱
- قله‌ی مقصود (در باغ طراوت بنشین همچو سمن باش) ۲۵۲
- پاکتر از شمع (در سخن گفتن حق ثابت و مستحکم باش) ۲۵۲
- برج مروت (در برم محبت بنشین شمع صفت باش) ۲۵۳
- زائر خوشبخت (هرگز نروم بکم از خیمه و خرگاهش) ۲۵۳
- مست خدمت (بی گمان کار کن خدایت فرجامش) ۲۵۴
- شتاب چرخ (مخور جانان غم عاصی و سوار لگد ایامش) ۲۵۵
- گرد ریا (گفتاری از صداقت تا هست بر زبانش) ۲۵۶
- کلبه‌ی آحزان (تا دست دلم باشد بر دامن آستانش) ۲۵۶
- بوی وصال (خوش بود باد سحر چون گذرد از چمنش) ۲۵۸
- نگاه گرم (خوش بود روزی که باشد جان من در گلشنش) ۲۵۸
- چرخ حیات (می رود هر دم دل من در پی سرو قامتش) ۲۵۹
- پرده‌ی پنهان (بارها در دلم آمد که نیستم بازش) ۲۵۹
- مسیر عاشقی (بذر جان آدمی گر سر زند از خاک عشق) ۲۶۱
- سرحد وفا (هر که شد عاشق گل هم سخن سوسن عشق) ۲۶۲
- سرود جان (بختم اگر مدد کند رسم به نوبهار عشق) ۲۶۲

- قمار عشق (باز شکوفه در دلم بر سر شاخسار عشق)..... ۲۶۳
- نخل خرد (ایدل برسان جان مرا در چمن عشق)..... ۲۶۴
- کالای هوس (هردم که زدم به تار دل چنگ)..... ۲۶۵
- آسمان پرواز (در انتظار منشین جاننا بحال غمناک)..... ۲۶۵
- اشک شوق (به تر ای گل شقایق سخنی بگویم از دل)..... ۲۶۶
- مشکل مسائل (بدست فکر و با تدبیر کامل)..... ۲۶۶
- جنس خرد (شو و نشاد ار بود بیشترین کار دل)..... ۲۶۷
- بزم محبت (با این که بدم بکسره در بند غم دل)..... ۲۶۸
- راه وفا (گرد شمع روی تومن بچشم بروانهام)..... ۲۶۹
- صید صیاد (ترسم هرگز نرسد بر لب تو فریادم)..... ۲۶۹
- همت والا (هیچ غم نیست مرا گر به رخت جان بدهم)..... ۲۷۰
- خاطر مجموع (بر سر گلزار عشق مست و غزلخوان شدم)..... ۲۷۰
- قدرت داد (چراغ عشق روشن شد میان عقل و افکارم)..... ۲۷۱
- مهر جمال (عاشق دلخسته‌ی عالم منم)..... ۲۷۲
- دام خیال (لاله‌سان داغ تو را در سینه پنهان کرده‌ام)..... ۲۷۳
- فقرگناه (در شیب شب تار بمان بر سر راهم)..... ۲۷۴
- کوکب بخت (جز یاد تو نیست در خیالم)..... ۲۷۴
- بحر قرار (آندم که گل روی تو باز است کنارم)..... ۲۷۵
- بازوی توانایی (به شاهین ترازوی عدالت چشم می‌دوزم)..... ۲۷۶

- کتاب زندگی (دلا بگوش جان بخوان کتاب زندگانیم)..... ۲۷۶
- گلشن شادی (ز باغ عشق هر دم میوه چیدیم)..... ۲۷۷
- سبب ساز (گر چو مرغان هوا بال صفا باز کنیم)..... ۲۷۸
- شکست توبه (از بند غم عشق تو یک لحظه نرستم)..... ۲۷۸
- شیب زندگانی (هر دم که آتش غم سوزد وجود آدم)..... ۲۷۹
- چنگ تفک (ز طرب گ شگفت گل به گلستان دلم)..... ۲۷۹
- ایل بخت (همچو سنگ از دل کوه زمان غلتیده‌ام)..... ۲۸۰
- قفل زمام (جیب‌های من را کسی کن از کسب حرام)..... ۲۸۱
- زبان مهری (مصیبت نامه‌ام در دل زاری که من دارم)..... ۲۸۱
- میل دگر (تا به رخسار نکوی تو نظر کردم)..... ۲۸۳
- خوشه‌های خشم (با اینکه من در چاه غم از عشق تو چون بیژنم)..... ۲۸۴
- چشم حقیقت (زنجیر اسارت مگشا از دل و جانم)..... ۲۸۴
- چشم خمار (بگذار همه عمر کنار تو بمانم)..... ۲۸۵
- در عشق (به گلزار عشق تو چون بلبلم)..... ۲۸۶
- شاخه‌ی شوق (غم عشق تو را با کس نگفتم)..... ۲۸۷
- اختیار دل (گر دو دل داده وفادار بمانند بهم)..... ۲۸۷
- بام وطن (شور شیرین بسم زد که چنان کوهکنم)..... ۲۸۸
- مرز غم (نمان ای غم بجان من درین عالم دگر یکدم)..... ۲۸۸
- کبک خوشبخت (در رخ پاک صفا نور خدا می بینم)..... ۲۸۹

- قافله سالار (تا دیده به رخسار نکوی تو گشودم)..... ۲۹۰
- مقام صبر (آندم که بوی عشقت پیچید در وجودم)..... ۲۹۰
- زبان فطرت (بُود آرزوی من کز تو دمی جدا نباشم)..... ۲۹۱
- حساب زندگی (در شب سرد شتا تنهای تنها مانده‌ام)..... ۲۹۱
- چوب همت (در آن ساعت که چون صیدی به چنگال غم افتادم)..... ۲۹۳
- دریای پُر آشوب (زاندم که جدا کرد نگاه تو ز هوشم)..... ۲۹۴
- باغ ملکوت (از زبان قیام عشق سخن می‌گویم)..... ۲۹۴
- کسب حقیقت (گفتم به رسا پیک وصال تو کنارم)..... ۲۹۵
- دفتر وجود (هردم در آرزوی بار جان نشیدم)..... ۲۹۵
- آتش مهر (گر که تو باشی همه جادربم)..... ۲۹۶
- صدسبد گل (تا جهانست سر کوی تو منزل دارم)..... ۲۹۷
- گرمای مهربانی (بر ساحل وصال هر دم در انتظارم)..... ۲۹۸
- مژده‌های دوستی (زیر ابر عشق تو باران رحمت دیده‌ام)..... ۲۹۸
- نیروی بازو (آمیدم بر آن شد که ایمن شوم)..... ۲۹۹
- قصر آرزو (اگر بر من کنی بیداد، بر دادت نظر بندم)..... ۳۰۰
- یوسف حُسن (تا جان به بدن دارم روی از تو نگردانم)..... ۳۰۱
- گل مریم (با من تو بمان تا من از غصّه بیره‌یزم)..... ۳۰۱
- پرتو رنگین (در دشت سراب غم چون خاک بلا بینم)..... ۳۰۳
- ساحل پُر حادثه (گردِ شمع رُخت ای یار چو پروانه منم)..... ۳۰۳

- دیده‌ی تاثیر (خَمِ آن زلف سیه زد گره‌ای در کارم)..... ۳۰۴
- گوهر اندیشه (ایدل هر دم بنشین در نگه ناز ندیم)..... ۳۰۵
- خط خطا (تا در این عالم خاکی نفسی می گیرم)..... ۳۰۵
- دُرِ یتیم (همچو خورشید بیا رو به سحرگاه کنیم)..... ۳۰۶
- موج صدا (چهره بگشا در بَرَم تا غم زدل بیرون کنم)..... ۳۰۷
- خیال آرو (طَنین شعر من را بجان شنو نگارم)..... ۳۰۸
- چشم نهان (پندنه ساهن غم گر نَبُود بر سرم)..... ۳۰۸
- آب هستی (چو مهر - مَآت با آن زد شرارم)..... ۳۰۹
- سَرِدانایی (ای مَه تابان بمان در شد تنهائیم)..... ۳۰۹
- گنج مقصود (بیا کز دوری رویت دما غم نیاسودم)..... ۳۱۰
- زبان قاصر (گر بسوزد شمع رخسار تو چون روانها)..... ۳۱۱
- رسوای جهان (با اینکه شدم پیر، ولی مثل جوانی)..... ۳۱۲
- راست قدم (همچو زنبور مزین از حسرت نیشم)..... ۳۱۳
- صدق صادق (به گلزار عشق تو سر میزنم)..... ۳۱۳
- شعر شعور (یک کوکب بخت نیک فالم)..... ۳۱۴
- تفصیل درد (با اینکه وفا از تو جفاکار ندیدم)..... ۳۱۵
- قدر شادی (خوش بُود آن دم که دل از دام غم)..... ۳۱۶
- زخم غم (دلا هرگز مخور یکدم غم بیهوده‌ی عالم)..... ۳۱۷
- قاب جان (در بین خوبرویان تنها تو را می بینم)..... ۳۱۸

- گفته‌ی شیوا (بر سر گلزار رویت هر زمان باز آمدم)..... ۳۱۹
- ساغر صبر (بر لب چشمه‌ی الطاف تو من تشنه لبم)..... ۳۱۹
- زانوی الفت (تا چشم وفای دل و جان سوی تو بستم)..... ۳۲۰
- پاییز دلتنگی (چو در چنگ غم عشقت کبوتروار افتادم)..... ۳۲۰
- بِتِ عشق (احمر ساقی و من ساغر بدستم)..... ۳۲۱
- بحر پر طوفان (گر عدالت وا کند قفل در زندان من)..... ۳۲۲
- سمند صداقت (بباغ غم روی آن نازنین)..... ۳۲۳
- خواهان سعادت (جز صداقت بادل زارم مگو هرگز سخن)..... ۳۲۴
- لنجر صبر (نشیند سخن چرب ز جان بر دل من)..... ۳۲۵
- آفتاب حُسن (طلوع نور رخسارت بجان بی‌نار من)..... ۳۲۵
- دیو غم (ای امید زندگی آرام جان)..... ۳۲۶
- پیام مهربانی (ابر رحمت گر برآید بر کبریا من)..... ۳۲۶
- چشم اندیشه (نوبهار زندگی طی شد شتابان پیش از ب)..... ۳۲۷
- پای دیدار (دلا هرگز مشو از عشق مجنون)..... ۳۲۸
- طوآف ابدی (هر که بر سیب ز نخدان نظر انداخت چومن)..... ۳۲۹
- آب بر آتش (باز بیا در دلم یکسره آتش بزن)..... ۳۳۰
- زره‌ی خدعه (ای سبب ساز مرا با غم خود یار مکن)..... ۳۳۰
- بی نیش سخن (در بیابان خطر خیمه به تدبیر بزن)..... ۳۳۱
- قله‌ی سعادت (در موسم بهاران از بوستان گذر کن)..... ۳۳۲

- جامه‌ی احرام (هر سحر می‌رسد همراه صبا بر دل من)..... ۳۳۲
- پرده‌ی چشمان (روز و شب باران غم بر دشت بی‌باران من)..... ۳۳۳
- سرشاراز بهار (کسی چون تو درین عالم نبرد از دل قرار من)..... ۳۳۴
- بذر طراوت (گرچه شدم پیرو ندارم توان)..... ۳۳۴
- صبح داغ‌نگز (از دام غم انگیز شب تار حذر کن)..... ۳۳۵
- دشت پریشانی (خوان ای مرغ خوش‌الحان برایم نغمه در گلشن)..... ۳۳۶
- باغ نظر (هر که بُود در همان همدل و همراز من)..... ۳۳۷
- آتش فتنه (دام تزویر و یا هیچ زمان باز مکن)..... ۳۳۸
- جوشن آزادگی (نغمه‌ی تار و تاب در دل غمناک کن)..... ۳۳۸
- متاع عقل (چو گل در جامه‌ی جان سه‌خت من)..... ۳۳۹
- گل بی‌خار (ایدل از مزرعه‌ی عشق مکش دامن جان)..... ۳۳۹
- با من منشین (گفتمش دین و دلم را مبر از دست جان من)..... ۳۴۰
- سرِ فرمان (گر دل من بشنود زمزمه‌ی جان من)..... ۳۴۰
- پله‌های نیکی (عمریست دل به حسرت در کوی نیک‌امان)..... ۳۴۱
- چشمه‌ی گُمان (شعر روان سرود جان بر سرِ خاک من بخوان)..... ۳۴۱
- فسون چشم (چو کویر خشک و سوزان که ندیده فصل باران)..... ۳۴۳
- قفس آرزو (غصّه مخور هر زمان شاد بمان در جهان)..... ۳۴۳
- بیستون سختی (گر طرح نو برآید از فکر و ذوق یاران)..... ۳۴۴
- سیراب عطش (من بلبل بُستانم و تو نوگل خندان)..... ۳۴۵

- ۳۴۵.....خواستگاه خاطر (چو بحر پُرتلاطمی اسیر جذب ماه تو).....
- ۳۴۶.....تکاپوی زمان (ایدل آشفته ز بدگردی ایام مشو).....
- ۳۴۶.....دستِ شتاب (اگر آتش نرسد از دل سرد من و تو).....
- ۳۴۷.....راه گشا (ز خارستان غم یکسر جدا شو).....
- ۳۴۷.....خُلُق نکو (بب یکام مهر رخشان شد فرو).....
- ۳۴۸.....تیر غمزه پرنده‌ی وجود من میان صبحگاه تو).....
- ۳۴۸.....دارمکافات (بِ دود و دمی کز که دمی همفسی تو).....
- ۳۴۹.....مسیردوستی (دوستِ دایم همه و گل خندان بینم روی تو).....
- ۳۵۰.....خضاب خون (خوشا به حال آنکی که گردد آشنای تو).....
- ۳۵۱.....میدان وفا (خزان زرد جان من به دهن یار تو).....
- ۳۵۱.....خانه‌ی صبر (کی زدی ای باد گلبو بوسه بر اندام او).....
- ۳۵۲.....شکر ریز (خاطر مجموع من در غم هجران تو).....
- ۳۵۳.....گُلِ اُمید (با همه آرزو منم در پی جستجوی تو).....
- ۳۵۳.....سَنجش عمل (گنجِ نهان گر تو را هست بدل آرزو).....
- ۳۵۴.....گلدسته‌ی خوشبو (آفتاب عشق باشد از فروغ روی تو).....
- ۳۵۵.....تار وحدت (همچو بلبل جان من در موسم دیدار تو).....
- ۳۵۵.....صدقِ سَخَن (تا دل من گشت خریدار تو).....
- ۳۵۶.....صبح وصال (بس که نکوست در بَرَمِ آینه‌ی خضال تو).....
- ۳۵۷.....سکّوی عقل (مرغ دلم مست و غزلخوان شده).....

- طینت پاک (در دیده‌ی من نقش رخ یار فتاده)..... ۳۵۷
- مسیر پر نگاه (آنکه هر دم میکند دیوار غم را تکیه گاه)..... ۳۵۸
- فرط نشاط (چون مرغ سحر ز آشیانه)..... ۳۵۹
- آبشار لحظه‌ها (همچون کویر تشنه‌ای زیر سحاب زندگی)..... ۳۵۹
- سریر ثروت (اندم که برگزیدم در کوی تو مقامی)..... ۳۶۰
- گل واژه‌ی عشق (آتش زده بر جان من شیرین زبانی)..... ۳۶۱
- فرصت موجود (گنجینه‌ی صدف لحد ثروت خود بسپاری)..... ۳۶۱
- شکوفه‌ی وفا (ای که به دل زان من هیچ نظر نمی‌کنی)..... ۳۶۲
- حيوان صفت (گیریم که با حيله با مقصود رسیدی)..... ۳۶۳
- نگون بختی (مسیر رستگاری را چرا با آسمی پویی)..... ۳۶۳
- حق باور (مشو تخدیر گفتاری که باشد پوچ و تکراری)..... ۳۶۵
- خورشید دوش (گر در بهشت عاشقان هستی تو مانا پری)..... ۳۶۶
- قدم غصه (هر زمانی که دلم با تو کند همکاری)..... ۳۶۷
- شاهین شادی (گر ز قعر دره‌ی تاریک غم سر برکشی)..... ۳۶۸
- بهار عمر (سحر چون مست شبنم شد بیاد فصل بارانی)..... ۳۶۸
- طوق اطاعت (چشمی بر هفت دوخته‌ام گر که بیایی)..... ۳۶۹
- گام دل (عالمی آتش غم در دلم افروخته‌ای)..... ۳۷۰
- نگاه دانش اندوزی (ز سوی باغ می‌آید نسیم صبح نوروزی)..... ۳۷۰
- بوسه‌ی عشق (ایدل هر دم بنه پا در ره نیکونامی)..... ۳۷۱

- ۳۷۲..... طوطى شعر (ترسم آخر كه نگیرد ز وجودم خبری)
- ۳۷۳..... پيك محبت (در باغ دلم سبز ، چو طوبای بهشتی)
- ۳۷۳..... عالم همیاری (هرکس به تو رو آرد هنگام گرفتاری)
- ۳۷۴..... شمشاد عاشقی (سیمای دلبری را اینسان كه می‌نمائی)
- ۳۷۵..... رویای ناکام (آه ای ز خود پرسم چرا در روزگار زندگی)
- ۳۷۵..... دریای توان (غم فردا مخور ایدل كه ندارد سودی)
- ۳۷۶..... سرو کوهسار (در شیب تند تارى دارم امیدواری)
- ۳۷۷..... خیل نكونامان (تا دیدم دل شستم در چشمه بیداری)
- ۳۷۷..... دست پیمان (به كوه جابر تر از كوهكنی)
- ۳۷۸..... دولت فقر (چرا بر وجودم ستم كرده‌ای)
- ۳۷۸..... درس سځن (هركسی در ره تو يكسره گردد راه)
- ۳۷۹..... خوان خدا (غنچه‌سان در گلشن آ تا همچو گل خندان شوی)
- ۳۸۰..... زادگاه عزت (بختم اگر شود یار در خاک بختیاری)
- ۳۸۱..... چشم لطافت (ایدل بنشین به شادمانی)
- ۳۸۱..... شانهای خوشبختی (پنهان بود ار گنج به ویرانه سرائی)
- ۳۸۲..... ناقه‌ی سرکش (ای كه گیسوی سیه‌روی پریش داری)
- ۳۸۳..... ساك سفر (از راه خطا خیزد هر فتنه‌ی نامردی)
- ۳۸۳..... آفتاب معرفت (آسمان عشق را باران رحمت میكنی)
- ۳۸۴..... دلواپسی (چون بيد مجنون شد پریشان روزگار زندگی)

- ۳۸۵..... قامت فکر (گرچه با یاد توام در قفس تنهائی)
- ۳۸۵..... کوی نیکنامی (ایدل هوای دنیا دیدی نظر نکردی)
- ۳۸۶..... نوید روشنایی (ای نوگل باغ آشنایی)
- ۳۸۷..... عقل کج اندیش (با نظر شاد خود گر به جهان بنگری)
- ۳۸۸..... جرئت جان (هر زمان در ره تو پای دلم شد راهی)
- ۳۸۸..... راه صواب (دلا در صبح دانائی نخبوبی)
- ۳۸۹..... پای تندى (به نه گوم این حکایت که مرا جواب کردی)
- ۳۹۰..... افسر بخت (همچو پیرانه نم، شمع شب افروز توئی)
- ۳۹۱..... بهار دل (چون شفق خوندن بر لب باری)
- ۳۹۱..... تدبیر (روی همت به هر کجا که بگذارم)
- ۳۹۲..... دیده‌ی حیرت (در طربخانه‌ی عشرت گرم بازان)
- ۳۹۲..... بزمگاه دل (ز بیداد زمانه شد جهان دریای رطبان)
- ۳۹۳..... اسب رهسپار (ترسم که تا قیامت از جان من برآری)
- اشعار متفرقه
- ۳۹۷..... فصل رویش (بارید و می‌بارد چه خوش برف زمستان)
- ۳۹۸..... رهروان راستین (باب امامت باز شد بهر حقیقت در جهان)
- ۴۰۰..... اعجاز جانباز (هر کسی جان باختن را پیشه کرد)
- ۴۰۱..... جنگ تزویر (شیطان چو سبکان آمده در جنگ تزویر)
- ۴۰۲..... آیه‌ی بعثت (با اقرأ سخن از لب هستی بدر آمد)
- ۴۰۳..... نواندیشه (لباس عافیت هر کس به تن کرد)

- مردانگی (کریلا از ثارالله غرق خون شد تا ابد)..... ۴۰۴
- صاحب عصر (ای نور خدا حاجت ما صاحب اعصار)..... ۴۰۵
- باب امامت (ای مقتدای دین و دانش یا امیرالمؤمنین (ع))..... ۴۰۶
- صاحب زمان (ز آل علی (ع) خواهد آمد کسی)..... ۴۰۸
- مرهم مهر (به صبر و حوصله با سعی بسیار)..... ۴۰۸
- چرخه ی احسان (سخن عشق همانست که در قالب شعر)..... ۴۰۸
- کسوف شرم خو (ایام حق رضای ما بدرگاهت نظر دارم)..... ۴۰۹
- مشهد عشق (دست از خون بسته در میدان مردی می رود)..... ۴۱۰
- نکوخو (به تعلیم توان صفات نکو)..... ۴۱۱
- سرخیل شهیدان (سرخیل شهیدان و ثار حسین (ع) است)..... ۴۱۲
- دُرّ ثمین (اشک است بدامان سیه پوش ستم کش)..... ۴۱۳
- شمشاد وصل (از سینه ی معلّم نور خدا بر آید)..... ۴۱۳
- نغمه خوان (هرکس که رخسار تو را ببند چو من در بوستان)..... ۴۱۴
- خیره سری (بر اسب غرور هرکه گردد سوار)..... ۴۱۴
- کان معرفت (هر آنکس دور باشد از حقیقت)..... ۴۱۵
- انسانیت (بر اسب مراد هرکه گردد سوار)..... ۴۱۶
- بازی مرگ (بیا تا کزین پس بحال زمین)..... ۴۱۶
- سیرشگ شوق (همچو سروی سبز و خرم در تمام زندگی)..... ۴۱۷
- رتبه ی رجحان (درشهادت مرگ را آسان گرفتی یا حسین (ع))..... ۴۱۸

- سودای ثروت (در آسمان روشن صاف صداقت)..... ۴۲۰
- فریاد غیرت (آمیدم را سپر کردم کشیدم)..... ۴۲۱
- عشق پاک (عروس زندگی داماد را داد)..... ۴۲۱
- زبان صدق (همیشه راستگو باشد سرافراز)..... ۴۲۲
- درخت لعل (آدمی گر دل سپارد بر صفای زندگی)..... ۴۲۲
- دست تفنّن (از سنگ سیه چهره‌ی در بستر چاه)..... ۴۲۳
- بلبل و گل (بلبل از دامن گل بوی محبت برد)..... ۴۲۳
- دل و عقل و عشق (در بوی عشق کشد ما را و عظم سوی دیگر)..... ۴۲۴
- سجّاده‌ی نورانی (در بین عبادت‌ها اگل کرد نماز ما)..... ۴۲۴
- گرگ پیری (جوانی تو بودی تر مییم)..... ۴۲۵
- شیطان کامل (هر آنکس که دلی بی‌کیسه دارد)..... ۴۲۶
- سجّده‌ی اخلاص (هر کجا که آبشاری از وفاسازی)..... ۴۲۶
- چارپاره‌ی اشتیاق (دارم عطش فراوان مانند شوره‌زاران)..... ۴۲۷
- زورق بشکسته (هیچ کس بر ما کتاب عشق را معنا نکرد)..... ۴۲۸
- گهواره‌ی غیرت (در بستر دل باغ صداقت بخزان شد)..... ۴۲۹
- اشعار محلی
- تک‌ودو (تَش دینشتِ دِلَم سی تو کُنه دی)..... ۴۳۳
- وجاق زندگونی (دِلَم سی چه چینو هی پیت ایاری)..... ۴۳۳
- پَل بریده (دِلَم دزدید و از قاشیس و درکه)..... ۴۳۴
- پُر مُدعا (گیوه‌هاس وُر سَرِ پاس ایکنه سُرُسَر که بیا)..... ۴۳۴

- ۴۳۶..... تَشِ عشق (تَشِ عشق ار که دِلِ خُمِ مونه پوده کنه)
- ۴۳۶..... وارِ تینائی (قرارِ گوگرینه کی و هم زی)
- ۴۳۶..... لیوهی هشق (تیرِ مرزنگِ تیاس زیده تَشِ وُرِ جوئم)
- ۴۳۷..... جُومِ بفا (بِلِگه ایبُردِ پیا سی نُمزدِ مِثِ گِلِس)
- ۴۳۷..... مَقّاشِ غم (دِ اِخواستُم که درارُم دِلُم اِز بندِ غَمِس)
- سایر ابیات
- ۴۳۸..... رُباعی (انسانم و ارم نه انسانیت خویش)
- ۴۳۸..... دوبیتی (دلی بی کسه من آینه دارم)
- ۴۳۹..... اتّفاقی (ارتباط اولیاءِ مَدْرَسه)
- ۴۳۹..... تکِ بیتی (آدمی گر نشود اَرَه دِفْعَتِ بَفْعِ طَلَب)
- اشعار نو و سخنان ایجاز و مجاز
- ۴۴۱..... شرمندگی (وقتی نَبُردِ پرنده های آهنی)
- ۴۴۲..... رازِ شانِس (ای هستی به چشم من بنما)
- ۴۴۲..... می سپارم! (می سپارم به تو خواب بی دردی برزخ را)